

حقیقت

شماره ۱۲۸ ۲۷ خرداد ۱۳۶۰

تظاهرات موضوعی علیه حزب حاکم و سخنان اخیر خمینی در سراسر کشور استعفای اعتراض آمیز ۱۰۰۰ پارسا

پیام رئیس جمهور به مردم ایران

در همین صفحه

(آقای خمینی ! باید بدانید که محاکمه بنی صدر به محاکمه خودتان تبدیل خواهد شد)

چه کسی محاکمه خواهد شد؟

مجلس شورای اسلامی مشغول تهیه مقدمات استیضاح و بعد هم محاکمه بنی صدر می باشد پس از توقیف روزنامه و عزل وی از مقام فرماندهی کل قوا اکنون با پوش دوزیهای سران خائن حزب حاکم و اکثریت از تجاعی و نوکرمصفت مجلس برای خلع بنی صدر از مقام ریاست جمهوری و بعد هم قاعدتان حبس یا اعدام وی - البته اگر نقشه های تروری تا

آزما ن موفق نشود شروع شده است ، حکم نهائی قبلا توسط ریالیه های حزب الهی درخیا - بانها اعلام شده است ، فعلا حزب حاکم با توجه به حمایتی که خمینی از حرکت آن میکنند

مطلحت این می بیند که حتی - المقدور بر نامه کودتای ضد ملی و خیانتکارانه خود را با صورت ظاهری قانونی پیش ببرد ، و به محاکمه کشاید بنی صدر با پیشنهاد دورای اکثریت

دست نشانده و یله قربان گوی مجلس گام مهمی در اجرای این طرح کودتا گرانده است ، انگار این مجلس اسلامی همان مجلس هفده زمان حکومت ممدق تحت بقیه در صفحه ۲

مردم کشته ندادند، جوان ندادند، که حالا شما با طرح بیازش باعشی های تجاوزکار توافقی کنید...

صفحه ۲

آقای خمینی

مزدوران بیسرمی بنام فدائی اکثریت

صفحه ۱۲

چرا رئیس بانک مرکزی تعویض شد؟

صفحه ۲

کارگران پالایشگاه شیراز خواهان برگناری دولت رجائی شدند

صفحه ۱۴

نامه يك كارگر حفاری به حقیقت

صفحه ۲۴

اخبار چند روز گذشته

صفحه ۱۶

پیام بنی صدر

پیام بنی صدر رئیس جمهور کشور به مردم ایران ، که اخیرا انتشار یافته و بدین وسیله به تکثیر آن میگوئیم :

بسم الله تعالی

مردم مسلمان ایران : شما برای قاطع خود پیرایه ریاست جمهوری انتخاب کردید ، اینک میباید خود پیرسیداکرا بن جانب با توقعات قدرت کرایان همانگی میگردم آیا در وضعی که مراد آن قرار داده اند ، قرار میگیرم ؟ اگر زبان شما نمیشد و اعتراض میگردم ، اگر وضع کشور را روزنامه شما گزارش نمیگردم ، اگر هر چه واقع میشد را قانونی میگردم ، اگر با من اینطور بگردند ؟

بقیه در صفحه ۲

آقای خمینی

مردم گشتند اذند، جوان ند اذند، که حالا شما با طرح سازش بابعثی های تجاوز کار توافق کنید و حتی حساب خاک اشغال شده کشور را هم بمیان نیاورید!

اخیرا حزبی های ملعون، که خود را مالک الرقاب کشور می پندارند، طرحی را برای پایان دادن به جنگ نزد امام میبرند، بدین شرح که به بهانه داغ شدن قضیه، انبان ایران و حمله اسرائیل به آنجا مسئله مبارزه با صهیونیسم را در ذهن مردم ایران عمده کرده و سپس آنرا دلیل و بهانه ای برای کناره دادن با رژیم عراق بر سر جنگ (تحت عنوان اینکه کشور های اسلامی باید علیه صهیونیسم متحد شوند) گردانند. خمینی با این طرح توافق کرد. توجه کنید که در این طرح کذاشی هیچ صحبتی از سرنوشت خاک اشغال شده کشور، جنایات مزدوران بعثی و تانکی که با یاریت و حشیکریها ایشان و خساراتی که برای کشور ما ببار آورده اند پدیدارند، موجود نیست. یعنی طرح اینها این است که اولش برویم و ببهانه مبارزه با صهیونیسم و وحدت کشورهای اسلامی سازش کنیم و از جنگیدن دست بکشیم و بعد تکلیف منطبق اعمال شده و حضور ارتش تجاوز کار عراق در بخشی از خاک کشور را معین کنیم - یعنی دقیقا کاری که در باره کروگانهای جاسوس کردند، یعنی اول آنها را آزاد کرد و حتی ۵ میلیارد دلار هم روی آنها گذارده تحویل آمریکا دادند و بعد هم روس شدن تکلیف تمامی دعوی و خواست های بحق ملت ایران را به حکمیت دادگانهای بین المللی و حتی بعضا دادگاههای خود آمریکا سپردند - یعنی هیچ چینی!

حالا طبق این طرح درباره جنگ هم اول میخواهند متارکه جنگ کنند و حتما یک چیزی را هم

به عراق (و طبعاً آمریکا) بدهند تا عراق واریا با نشان حاضر به متارکه شوند، و بعد در باره حضور نیروهای اشغال کرد در خاک کشور و مناطقی از دست رفته و خسارات و غیره وارد گفتگو شوند. قطعاً این مسائل را هم به حاکمیت هیئت های بین المللی خواهند سپرد، یعنی بدست بیاد!

اکنون معلوم میشود که خلع بنی صدر از فرماندهی کل قوا، که به تحریک حزب دولت مکتبی و در پرده دودی از شعارهای ظاهراً انقلابی صورت گرفت، به چه منظوری عملی شد. اکنون مردم می فهمند که ادعای ما، که همیشه متذکر می شدیم که حزبی های هوچی و خاشن میخواستند رهبری جنگ را بگیرند و با صدام حسین و ابر قدرتها سازش کنند، تا چه درجه درست و منطبق با حقیقت بوده است.

دقیقا در پی توافق امام یعنی فردای آن است که از طریق را دیو! اعلام میشود که برای با مصلاح مبارزه با صهیونیسم در لبنان اسرای عراقی را آزاد میکنند و حتی اسلحه بدستشان میدهند که بروند در لبنان بجنگند. بدینسان با این عمل به رژیم بعثی و تجاوز کار عراق علامت داده میشود که مسئله ما (یعنی حزب حاکم و دارودسته هوچی های خاشن) متارکه و سازش بر سر جنگ ببهانه مبارزه با صهیونیسم است. از این پس

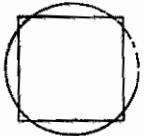
ورق پاره "جمهوری اسلامی" ارگان لجن پراکنی حزب حاکم به انتشار مقالات متعددی در باره صهیونیسم و ضرورت مبارزه با آن در شرایط فعلی مشغول میشود، عجیباً که در همین زمان است که به اشاره آمریکا صهیونیستها حمله ای ناگهانی به نیروگاه اتمی عراق میکنند تا قاعدتا عراق هم بهانه ای برای متارکه و سازش با دارودسته هوچی ایرانی ببهانه فوریت مبارزه با خطر صهیونیسم علیه ممالک مسلمان داشته باشد. بجز واضح است که طسرح خاشنا نه متارکه جنگ و سازش آنها بدین نحو، با عراق طرحی است که در پشت پرده های ضخیم ویا نظراً آمریکا و اطلاع شوروی و دیگران ریخته شده و نتیجه محتوم آن از دست رفتن بخش هایی از خاک کشور و همچنین مدارک و اسلحه در تعویض سرنوشت این جنگ میباشد.

وجود این طرح و حرکت گام بگام هوچی های حاکم برای اجرای آن نشان میدهد که تبلیغات اخیر را دیو و تلسو بیرون در باره با مصلاح جنگ پس از خلع بنی صدر از فرماندهی کل قوا و پیروزیهای پی در پی هوچگری خاشنا نه ای بیانش نیست. پرده دودی است برخیا - نتی که دارودسته می شود - مثل قضیه کروگانها!

ما جدا در این باره به مردم ایران، به جوانان این مردم که دلیرانه برای دفاع

از وطن خویش در برابر توطئه گریها و طمع ورزیهای آمریکا و آلت دستها بش در منطقه می جنگند و خون میدهند، به تمام سربازان، درجه داران، افسران پاسداران، بسیجی ها و گروه های مسلح داوطلب، هشدار میدهم! میخواهند خون شهدای شما را غایب کنند و از پشت پرده فرزندان قهرمان کشور خنجر بکوبند. شما مدافعان کشور و ما که در کنار شما علیه اشغالگران آلت دست و مزدور بعثی می جنگیم برای آن خون نسیم دهیم که مثنی خیره سر خاشن و زد و بندچی از بالای سرما با دشمن متجاوز کنار بیایند و بر سر شرف ملی و خاک وطن معامله کنند و همچنین راه مداخله همان قدرتهای سلطه گری را در قضیه این جنگ و در نتیجه در کشور بگشایند که این جنگ را به ما و ملت ما تحمیل کرده اند.

بها خیزید و اعتراض کنید! برادرم جنگ تا پیروزی نهائی یعنی تا خروج آخرین سرباز دشمن از آخرین وجب خاک اشغال شده کشور را رورزید و توطئه خیانکاران را درهم شکنید! در اینجا هم بازمی بینید که بدون تعیین تکلیف با حزب حاکم، با خیانکاران حاکم نمیتوان این جنگ را به پیروزی شرافتمندانه رسانید!



لور که بیسی به خود راه ندادند روزی گفتند تا گروگانها در دست ما هستند گلوگانها مهربا لیسم آمریکا در دست ما است، و وقت سی تسلیم شدند گفتند گروگانها جنس بنجل بودند و آمریکا نمی خواست تا چا رشیم هر طور هست از سر با زشان کنیم خواهی آمد و خواهی هندگفت چاره نداشتیم جز اینکه به شرایط تسلیم بشویم.

مردم بدانید:

چهار روز بر خا رجه آمدند و پیشنهاد کردند که قوای عراق به داخل خاک عراق عقب نشینی کنند و مقداری هم از مرز قاصه بگیرند و از طرف حریمی غیرنظامی بوجود بیاید و بعد سوار در اختلاف از طریق سیاسی حل گردد. ما از آنها خواستیم نقشه بیاورند و روی نقشه پیشنهاد خود را برای ما روشن بگردانند و قرار بود ۱۸ خرداد بیا بپند که با ملاحظه وضع کشور منصرف شدند.

از ابتدای جنگ بدین سوا مرز وضعیت نظامی ما بهترین وضعیت است عقیده این جانب این بود که اگر ما را به حال خود بگذارند با چند پیروزی چشمگیر ما نه تنها پیروزی نظامی بدست می آوریم بلکه نقشه های آمریکا را در همه منطقه بر هم میریزیم و میتوانیم عرصه را در تاریخ آغاز کنیم. ضربه از خارج را تحمل کردیم ارتش مهاجم را متوقف ساختیم و شروع به اضمحلال آن نمودیم از پشت سر کردند آنچه کردند و شما از آن اطلاع دارید وضع جنگ تا این لحظه اینطور است هستیم و می بینیم که این وضع چطور تحول خواهد کرد. اگر این خطرها که بر سر مردم برای شما مردم ملموس هستند و در دل خود حس میکنند که راست میگوئیم و با شما ما دقیقا نه حرف میزنم اگر متحان خود را داده ام که مقام و موقعیت مرا تفریفته و برای وفاداری به بدین و رای شما مردم به همه چیز حاضر شده ام. اگر بر شما معلوم است که فرق است میان حرف و عمل وقتی انسان سوار اسب سرکش قدرت نشده و وقتی که سوار میشود و اگر میدانید که متحان واقعی وقتی است که انسان اسباب سوار شدن بر مرکب خود را به اراده داشته باشد و سوار نشود. با ورنه آنقدر که خطر را بر سر مردم همه خطرها نیستند و خطرهای

جدی هستند. با ورنه برای اینکه این خطرها پیش نیاید خود را در هر خطری افکنده ام. با ورنه آنقدر که یک لحظه از فکر این خطر بیرون نرفته ام و به هیچ کس خاشن نبوده ام و خواسته ام محیط امن و آزاد اجتماعی بوجود آید و کشور رشد سریع کند. به گمان اینجانب راه چاره آسان است به شما مردم سختم همواره این بوده است: روزیکه به دزد قول رفتم شهر در حال سقوط بود با ارتشیان صحبت کردم و به آنها گفتم شما به خود با ورنه نمیتوانید دشمن را متوقف کنید و بشکنید. آنها از این جانب پذیرفتند عمل کردند و موفق شدند. حالام به شما مردم میگویم شما به توانائی خود با ورنه نمیتوانید تسلیم جوسازان و چاقان نشوید استقامت کنید راههای

بقیه در صفحه ۱۳

به بدین خودورای و اعتماد شما خیانت نکردم و تا جایی که توانستم کوشیدم. بسیاری جریانها را بموقع مطلع شدم و هشدار دادم، صدایم را در قیل و قیل جوسازان کم کردند و اینک نیز مثل جدم حسین بی علی (ع) آنچه از خطرها که میبینم برای شما پیش بینی میکنم:

۱- از سه شعار انقلاب اسلامی، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی هیچ محتوایی بر جا نخواهند گذاشت.

۲- استقلال اقتصادی یا بودجه ای که تهیه کرده اند و با نفتی که ما در میکنند و با قرار داده نیکه مفاء میکنند از بین میرود و چون امنیت نیست وضع شما محرومان جامعه بدتر خواهد شد و کرانی و بیکاری روزگار شما را سیاه خواهد کرد.

۳- استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی و با وجود ناسا امنی داخلی و جنگ خارجی از دست خواهد رفت.

۴- از آزادی چیز چندانی نمانده است فقدان امنیت تا بدینجا است که لیره سید تومانی دوسال ونیم پیش ۵۰ هزار تومان شده است، روزنامه ها تعطیل و زبانها تیز بسته شده اند و در آینده از اینهم بدتر خواهد شد. گروهی که همه مقامات را بسته تصرف در آورده است به لحاظ بدتر شدن وضع و بی اعتبار شدن در افکار عمومی روز بروز بیشتر به وسایل اختناق آوریها خواهد برد و خود قربانی همین جریان خواهد شد.

۵- روزی محکومی در بای چوبه دار گفت: ای آزادی چه جنایتی که بنام تو نمیکند.

۶- این جانب هیچ گناهی جز اینکه خواسته ام استقلال و آزادی و اسلام بعنوان تضمین کننده استقلال و آزادی و زمینها را رشد و تعالی همه جا نبه انسان به اجراء در آید، نداشته ام و نتوانم دارم.

۷- از اسلام بان نخورده ام اما عمر را در خدمت آن گذرانده ام بشما مردم گفتم کودتای خزنده اجرا میکنند و مرا حل آنرا هم یک بیک شرح کردم و تا اینجا نیز بهمان ترتیب انجام داده اند و مرحله آخر آن که سلب عنوان ریاست جمهوری و گرفتن جان اینجا نباشد را نیز دست در کارند تا انجام دهند. اگر چنین کردند علاوه بر آنچه در بالا پیش بینی کردم امروز نیز واقعه خواهد شد.

الف: برخوردهای پایداری در کشور بر برخوردهای مسلحانه کنونی افاقه خواهد شد و خود بر مشکلات بالاخواهند افزود. مردم ما کروکوریستند و وضعیت روزمره خود را می بینند و می بینند که دو سال ونیم حکومت حزب حاکم روز بروز وضعیت کشور را بدتر ساخته است. امنیت از بین رفته است، اقتصاد فلج شده است جنگ داخلی و خارجی بطور مستمرا ادامه دارد و اینک خطر گسترش آن نیز هست.

ب- جنگ تحمیلی در صورت طولانی شدن به فرسودگی کامل نیروهای ایران و عراق می انجامد و در خاور میانه زمینها جرای برنامهای آمریکا فراهم میگردد و همطور که در جریان گروگان گیری ملاحظه کردید تا چاره شرایط ننگینی تن خواهند داد. همان

اخبار و گزارشهای مبارزات مردم را
به هر طریق ممکن برای ما بفرستید.
و درجه موثق بودن قطعیت آن را
معین کنید. مقاله ها و اعلامیه ها
و روزنامه ها را به هر طریق ممکن تکثیر
کنید.

چرا رئیس بانک مرکزی تعویض شد؟

که منجر به برکناری رئیس بانک شد بر ملامت و نشان میدهد که چرا آقایان مراد راوند که یک سرپرست مکتبی که به فرمان همایونی ایشان گردن نهاده بر سر کار آورند!

اگرخواهد و کسل آنت الله طالقانی را دستگیر کنند به او اسباب خارج کردن ارز کشور را میسندند. اگر با رئیس بانک مرکزی دعوا سازد، او را به فراری دادن طاغوتیان و خارج کردن ارز میسندند. اگر بخوانند، بیس جمهور را حذف کنند میگویند که او طرفدار سرمایه داران و وابسته به غرب است و جنسین مسلمانانند که خودساز طرفدار زحمتکاران ایران میباشد. اما: خوش بود که محک تجربه آید به میا.

تا نگوسا رشود هر که در او غش باشد
سلسله اسنادی که از نظر میگذارد اسد مربوط به تلاش های حرسون برای کسب اجازه خروج از کشور برای آقای امیرانی است. آقای امیرانی از آن گردن کلفت هائی است که دستکم چهل میلیون تومان از اموال این ملت را به خواسته بدهکار راست و قانونانبا میدتا ایجاد شرایط لازم برای پرداخت این بدهی کلان اجازه خروج از کشور را داشته باشد. اما آقای امیرانی امیرانی را دستکم نگیرید، ایشان با مقربین درگاه حزب جمهوری اسلامی سرورری دارند و ناگهان از طرف آقای فواد کرمی و محمدرضای نجوی از نمایندگان استبداد در مجلس سیل نامه و سفارش برای وادار کردن بانک مرکزی به صدور اجازه جاری میگردد و با الاخره پای قدوسی دادستان کل هم به میان کشیده میشود و هم به دفاع از جناب امیرانی این مستضعف چهل میلیونی، بر میخیزد!

این داستان و داستان های مشابه که در آن از مخالفت های رئیس بانک مرکزی با نفسه های حزبین برده سرداسه مسند بود، ربه های آن عدم هماهنگی میان مسئول بانک با دولت حزبی را

جمهوری اسلامی ایران
تاریخ: ۱۳۰۴/۴/۱۳

در زمینه موافقت با توشیحی که وشبه نزد بانک و تند بدست های ایشان بعمل آورده اند و همیگفته اقدام بشی جهت برداشت بدیهی از منو از طرف ایشان تاگوشی بعمل نیامده است.

منبر مراتب ابرق و از آنجا که طالبات بانکها از اشخاص جزء بیت المال بوده بانکها بعنوان حافظ بیت المال موظفند افعال نهایت سمن و احتیاط در جهت وصول طالبات بانکها میباشد و لذ بانکها اقتضای در صورت احوال خصیسات کالی و قابل قبول قادر به موافقت با خروج آقای امیرانی از کشور میباشد.

طیروفا نصوری
رئیس هیات امالی بانکها

روزنوشت بضمیمه فتوکپی نامه های آقایان فواد کرمی و شهبازی جهت استحضار حضرت حجت الاسلام والمسلمین طی قدوسی در استان گل انستلاب جمهوری اسلامی ایران ایفاد میگردد.

ایران طیروفا نصوری
رئیس هیات امالی بانکها

شماره: ۱۲۸
تاریخ: ۱۳۰۴/۴/۱۳
بنام خدا

بانک مرکزی ایران
آقای جعفر شهبازی واعظ
نماینده محترم مجلس شورای اسلامی

بازگشت بنامه مورخ ۱۳۰۴/۶/۸ جنابعالی در مورد معرفی آقای رضا امیرانی و توضیح برای صدور اجازه خروج ایشان از کشور مراتب در جلسه مورخ ۱۳۰۴/۶/۸ شورای امالی بانکها مطرح و شورامقرر نمود مراتب زیر باستحضار جنابعالی برسد.

۱- بر اساس لایحه قانونی مسویت خروج بدهکاران بانکها مصوب ۱۳۰۴/۶/۲۰ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و خروج بدهکاران بانکها از کشور بنابر تقاضای بانک طلبکار توسط به اجازه بانک مرکزی ایران میباشد و لذ نحوه صدور اجازه خروج آقای امیرانی توسط دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران که در نامه فوق الذکر جنابعالی بدان استناد شده است برای شورای امالی بانکها مشخص نیست.

۲- آقای امیرانی حدود ۴۰۰ میلیون ریال به بانکها بدهکار میباشد و در مقابل قسمت شده ای از شایقی ایشان نزد بانکهای طلبکار در راسته سر تحولات حاصل از انقلاب اسلامی ایران قابلیت تبدیل به نقد خود را از دست داده است و از طرف دیگر قسمت اعظم سفته های ایشان نزد بانکها و احوالست گردیده و بطریق مساعدت با بدهکارهایی که بانکها بنامه شورای امالی بانکها

بانک مرکزی ایران
حساب آقای فواد کرمی
نماینده محترم مجلس شورای اسلامی

بازگشت بنامه مورخ ۱۳۰۴/۶/۸ جنابعالی در مورد معرفی آقای رضا امیرانی و توضیح برای صدور اجازه خروج ایشان از کشور مراتب در جلسه مورخ ۱۳۰۴/۶/۸ شورای امالی بانکها مطرح و شورامقرر نمود مراتب زیر باستحضار جنابعالی برسد.

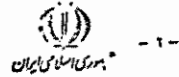
۱- بر اساس لایحه قانونی مسویت خروج بدهکاران بانکها مصوب ۱۳۰۴/۶/۲۰ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و خروج بدهکاران بانکها از کشور بنابر تقاضای بانک طلبکار توسط به اجازه بانک مرکزی ایران میباشد و لذ نحوه صدور اجازه خروج آقای امیرانی توسط دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران که در نامه فوق الذکر جنابعالی بدان استناد شده است برای شورای امالی بانکها مشخص نیست.

۲- آقای امیرانی حدود ۴۰۰ میلیون ریال به بانکها بدهکار میباشد و در مقابل قسمت شده ای از شایقی ایشان نزد بانکهای طلبکار در راسته سر تحولات حاصل از انقلاب اسلامی ایران قابلیت تبدیل به نقد خود را از دست داده است و از طرف دیگر قسمت اعظم سفته های ایشان نزد بانکها و احوالست گردیده و بطریق مساعدت با بدهکارهایی که بانکها بنامه شورای امالی بانکها

چرا رئیس...

بقیه از صفحه ۴

شماره ۱۲۸ / ۱۳ / ۱۳۰۹



در زمینه موافقت با تشریح یک وثیقه نزد دو بانک و تعدد بدست های ایشان بحمل آورده اند و هیچگونه اقدام مثبتی جهت پرداخت بدیهیای منسوب از طرف ایشان تکلیفی بحمل نیامده است.

بنا بر مراتب فوق و از آنجا که مطالبات بانکها از اعضاء جزء بیت المال بوده و بانکها بعنوان حافظ بیت المال موظف به اعمال نهایت دقت و اهتمام در رجعت وصول مطالبات بانکها میباشند لذا بانکها فقط در صورت اخطار تضمینات کافی و قابل قبول قادر به موافقت با خروج آقای امیران از کشور میباشند.

طهرخان صوری

رئیس شورای عالی بانکها

رو نوشت بضمیمه فتوکپی نامه های آقایان فواد گریس و جوشن چمن استعفا حضرت حجت الاسلام والمسلمین علی قدوسی دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران ایجاد میگردد.

طهرخان صوری

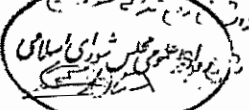
رئیس شورای عالی بانکها



اداره در سطح اعتبارات و اعتبارات عمل شماره ۴۴۸۹ تاریخ ۱۳۰۹/۸/۲۹

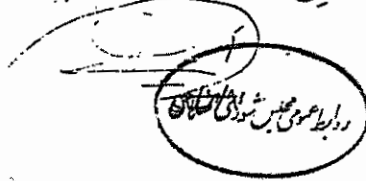
شماره ۵۹۶۵/۸

حضرت فواد گریس و جوشن چمن در تاریخ ۱۳۰۹/۸/۲۹
بنامت شورای عالی بانکها
دو کتبی را در وقت امیران در دستشماره ۱۳۰۹/۸/۲۹
درام که می توانم قانوناً ضایع است و در باره مروری بر این دو کتبی
در این تاریخ تهیه و از طریق روحانیت و خزانة منقذ کرده در جهت
تاکید بر این بجهت نوزادان می زیم اکتفا نمود پس با قریب
مسئله درست نه این است که این نامه گرفته ام فقط دستور است
بر همین در آمد که چه روز در روز است



حضرت آیت الله العظمی
امام خمینی

بسیار مکتوب است عمل احزاب خروج به آقا رضا امیران از ایران
لطفاً موافق خروج این را بفرمایید چون بر طرف نمود
اشکای است را بر طرف نمود در هر چه زودتر احوال خروج این را
فراهم نماید. رئیس کمیسیون استقامت و در این فرادارایی



۱۳۰۹/۸/۲۹

ب: سلام به است کل بانک
از: مهدی صرایی
موضوع: درخواست مطالبات سیستم بانکی کشور از آقای رضا امیران

طبق دستور جنابعالی پیرونده آقای رضا امیران مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و طبق اطلاعاتی که در مورد تصدیقات ایشان توسط آقای قدوسی از بانک ملی ایران گرفته شده مراتب واد بانک استحضار را این موصوفت:

۱- بانک ملت ۵۰۰۰۰۰۰ ریال در مقابل سفته شخصی و سایر اشخاص مرکب اعتباراً و خواست شده.

۲- بانک تجارت ۵۰۰۰۰۰۰ ریال در مقابل ضمانت نامه ایزر ۵ میلیون ریال بقیه در مقابل سفته.

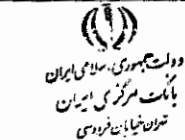
۳- بانک مسکن ۵۰۰۰۰۰۰ ریال در مقابل ضمانت نامه ایزر ۲۶۵ میلیون ریال بانک ملی مسکن بدونین مرتبه اول.

۴- بانک ملی ۸۶۰۰۰۰۰۰ ریال در مقابل ضمانت نامه مسکن بوده و بانک ملی حوالت از تاریخ مورخ ۱۳۰۹/۸/۱۱ بدون مرتبه دوم همان وثیقه را بدون نموده است.

۵- بانک سپه ۱۲۰۰۰۰۰۰ ریال در مقابل سفته.

۶- بانک صادرات ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال در مقابل سهام بانک (از لحاظ حقوقی جمع حقه است) ۱۶۶۰۰۰۰۰ ریال

با توجه به مراتب فوق همانگونه که استحضار دارید آقایان حعفر شحون و فواد گریس نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۰۹/۸/۲۹ که فتوکپی نامه های آنها پیوست می باشد توصیه نمودند که چون برای استنساب آقای رضا امیران در حال انقضاء می باشد و مورد باید جهت برگرداندن خانواده خود به انگلستان بوده از نظر آقای قدوسی مسئله دادستانی ایشان را هجمام کرده ایم دستور فرمایید هزینه زودت از ایشان رفع گشائی شود. شورای عالی بانکها هم در تاریخ ۱۳۰۹/۸/۱۳ طی دو نامه شماره ۱۳۰۹/۸/۱۳ حعفر شحون و



- ۲ -

و فواد گریس مخالفت خود را با انجام این تقاضا اعلام داشته و رو نوشت آنها هم بضمیمه فتوکپی نامه های آقایان منسوبه استحضار آقای علی قدوسی دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسانید. مع الوصف بقرا اطلاع آقای رضا امیران در وقت از کودتای نظامی سرکبه از مرز ازگان خارج شده به قلمه در انگلستان است و بانک ملی ایران هم طبق دستور شورای عالی بانکها موضوع نامه شماره ش ۱۳۰۹/۸/۲۹ مورخ ۱۳۰۹/۸/۲۹ ضمن درخواست سفته های مشارالیه از صدور اجرائیه و تحویل سفته خانه ایشان خود داری نموده است.

آقایان اول

پوست: کله سوابق

نامه يك زن خانه دار از

مسجد سلیمان به حقیقت

برای اجناس و غیره برایمان بوجود نیاورد که از خیانتها ایشان خبری نداشته باشیم خلاصه اکثر محلات مسجد سلیمان فاقد آب آشامیدنی هستند و بارها و بارها به شیوه های متفاوت با سازمان آب و برق تماس گرفتیم و آنها ما را مانند یک توب فوتبال به این طرف و آن طرف پاس میدهند و هیچگونه نتیجه ای تا بحال نگرفته ایم. در نتیجه تصمیم گرفتیم که به اتحادیه کمونیستهای ایران که پشتیبان مردم زحمتکش این مرز و بوم است و به جز حقیقت و درد دل مردم چیز دیگری بیان نمی کنند تا مای بنویسم تا در نشریه حقیقت به چاپ برسانند تا حداقل مردم سراسر ایران از مشکلات ما اهالی مسجد سلیمان بخصوص محلات سی برنج و نمره دو با اطلاع باشند و بدانند که در شهرهای مردم از بی آبی و کم آبی رنج میکشند که رود کارون در نزدیکی آنست و اگر دولت در فکر مردم بود برآستی این مسئله را میتوانست حل کند. راستی که برای حل مشکلات روزمره مردم نیز به دولتی انقلابی نیاز داریم.

گاهی تلویزیون از طرف جهاد سازندگی فیلمهایی درباره لوله کشی آب آشامیدنی و غیره در روستاها را نمایش میدهد. کسی که با درد دل مردم زحمتکش آشنا نباشد باید دید چینی فیلمهایی تصور میکنند که واقعا دولت آقای رجایی در فکر مردم است که حتی در روستاها هم لوله کشی آب کرده اند. ولی وقتی به میان مردم بروی و آنها برایت درد دل کنند میفهمی که نه تمام این نمایشات چیزی جز فریب مردم نیست چون وقتی در شهرها مسئله نبود آب و... مشکلات مردم است و به آن رسیدگی نمیکنند و بیکروای بحال مردم روستا من مانند تمام مسردم محله ما ن هر روز صبح کارمان آب کشیدن با سطل است و گاهی نیز اصلا آب نداریم و تمام فکر و ذکر ما ن در این گرمای سوزان خوزستان همین مسئله شده است و آنقدر در فکر این مسئله هستیم که مسائل مملکت فراموشمان شده است. یکمرتبه می فهمیم که دولت آقای رجایی قرارداد ایران ناسیونال با شرکت تالیوت انگلیسی و قرارداد دبا زرکانی با نیروی با ملاح انقلابی بسته است تا بید میخوانند عمدا مسائل مثل آب و صفهای طویل و دراز

نامه يك کارگر حفاری به حقیقت

های کارآموزی را تعطیل نمود. کلاسهای که در زمان ما قیسان با زحمت نماینده ها با زنده بود و برای پیش برد صنعت حفاری در آینده و این آقای بظاها انقلابی میگفت کلاسها باید تعطیل شود چون دفتر برای کارمندان کم است. اگر این موضوع را با یک کسی که از صنعت حفاری سر رشته ای نداشته باشد در میمانان بگذاریم. میداندومی فهمد خیانت به این صنعت است. صنعتی که سرنوشت این مملکت بستگی به آن دارد و این کارهای رمضان بورها و صا قیاینها و شماسی ها خواست شیطان بزرگ آمریکای جها نخواست. ماه گذشته ترا شد و ما می به کارگران پرداخت نمایند و ما کارگران گفتند دوام هفت هزار تومان است ولی بعدا با اطلاع شدیم تعدادی از کارمندان و نماینده های اهـ سوازی بیشتر از بیست هزار تومان دریافت کرده اند و این هم یکی از دسته کللهای شاگرد مکتبی آقای (رجائی) که میگفت فرقی بین من و یک دهقان وجود ندارد. هنوز معلوم نیست این شرکت ملی شده یا نه وضعیت پرستلی را هنوز معلوم نکرده اند. شاید بخوانند مبرکنند تا شیطان بزرگ بیاید و تصمیم بگیرد. بودن این عوامل سرسپرده در این شرکت کاری از پیش نخواهد رفت و شاید به سرنوشت مجتمع صنایع فولاد دجا رشویم. کارگر حفاری

با سلام خدمت ناشرین نشریه حقیقت. در یکی از شماره های این نشریه موضوعی مربوط به شرکت ملی حفاری چاپ شده بود که مورد استقبال کارگران این شرکت قرار گرفت و اینجا نب یکی از کارگران این شرکت بظا هر ملی هستم و چون بجا باین نامه در نشریه حقیقت اعتقاد دارم مشکلات این شرکت را ذکر میکنم و امید است به جاب آن جلوا عمال فدا سانی و فدکا رگری مدیر عامل شماسی و بیاران گرفته شود. یکسال و چند ماه از ملی شدن این شرکت توسط کارگران می گذرد ولی هنوز مشکلات فراوان و توطئه های آشکار چشم میخورد و طول این مدت شرکت ملی حفاری صاحب سه مدیرعامل شد. اول رمفا سپور، دوم ما قیان و فعلی محمدرضا شماسی. آقایانی که آمدند بعنوان مدیرعامل برای خدمت به صنعت حفاری نیا مده بودند بلکه با نقشه های قبلی برای انحلال این شرکت آمده بودند بگذریم که رمفا سپور و ما قیان نتوانستند نقشه شوم خود را اجرا کنند و این بود که دنیا له کار خود را با طرح جدید تقدیم آقای شماسی کردند. با پیش بینی حمله عراق به ایران چند دکل حفاری را از اوز به نوار مرزی فرستادند و البته در زمان آقای ما قیان که کار حفاری را هم شروع کرده بودند عراق آمد حمله کرد و کلیها را نابود و تعدادی از کارگران شرکت ملی حفاری را به اسارت گرفت. با این خیانت دیکر جای ماندن برای ما قیان نبود. او رفت و شماسی آمد و اوائل آمدن شماسی خیلی ساده میگفت من ه هرا کارگر حفاری را نمی شناسم و مسئولیت قبول نمی کنم و سه ماه حقوق کارگران را لغو کرد و با تلاش نماینده ها فرمهای آورده اند و هر یک از کارگران فرمها را پر کردند تا حقوق عقب افتاده را دریافت کنند. بعد از آن شورای کارآموزان را منحل کرد و کلاسی

حقیقت

ارکان

اتحادیه کمونیست ایران
را بخواهید

سر مقاله

بقیه از صفحه اول

ریاست آیت الله کاشانی است که به همین کارها با مصدق مشغول بود و عاقبت مردم رای بها نخل آن دادند. البته امروز برای کار درست نمی شود؛ زیرا اینها حتی نمی گذارند مردم رای خود را بدهند. نتیجه بزور و فساد خود مردم، با برخاست انقلابیان، میشود این مجلس تحمیلی و فاسد را منحل کرد و در آن را بست. اما در این میان خمینی با تاخیر و تشویق این حرکت ارتجاعی و تحریک آمیز مجلس و اکثریت فاسد و خاشاک آن بسا دست خود خرد را در تیسررس مخالفت و خشم مردم قرار می دهد. قبل از آغاز بحث استیضاح و اتهام زنی به بنی صدر در مجلس، هتک میگردانند و سنجایی برای کسب تکلیف راجع به این مسئله سراغ خمینی رسد

و پیشنها داد اکثریت مرتجع مجلس را در باره به زیر سوال کشیدن رئیس جمهور طرح کرد، خمینی فوراً چراغ سبز را نشان داد و گفت که مجلس یعنی همین اکثریت ارتجاعی و مفرض آن هر چه صلاح میداند بکنند و بیمی نداشته باشد. این اجازه و تائید خمینی بمعنای آنست که وی تا حد به محاکمه کشاندن بنی صدر و خلع وی از مقام ریاست جمهوری - البته با ظاهری قانونی - و بعد هم قاعدتاً اعدام وی به جرم با صطلاح "خیانت" (قا عدتا به ولایت فقیه!) میخواستند. اما خمینی با اینکار خود را به عرصه محاکمه مردم خواهد کشید و خواهد دید که دودا بیست آتشی که هر روز بر آن بیسترمی دم دعا قبت به چشم خودش فرو خواهد رفت.

زیرا برای مردم ایران خیلی واضح است که چرا می خواهد بنی صدر را محاکمه و خلع و مجازات کنند. رئیس جمهور را باید زیر سوال کشیده شده و با مستثنی آنها مات جعلی، که رجاله های حزب الهی و توده ایها هر روز در خیابانها طرح میکنند، به دست حاکم شرع سپرده شود، چون گفته است در جمهوری اسلام می شس نوع زندان وجود دارد

و در این زندانها شکنجه میکنند چون گفته است مردم در این جمهوری هنوز تا مین ندارند و اینکها کز لایحه قصاص اجراء شود پس از مدتی اکثریت مسردم دست نخواهند داد است، چون گفته است رئیس شورا یعنی قضا ئی غیر قانونی عمل میکند و رجائی و نیوی و شرکاء با بستن قرارداد ضلعی الجزایر و بربذل و بخشش بیستش از ۵ میلیار ددلارا ز شروت کشور به بانکداران آمریکائی وارو - یا ئی خیانت کرده اند و باید تحت تعقیب قرار گیرند؛ چون قرارداد خائنه دولت با تالیوت انگلیسی را زیر سوال برده و چندا اعلام جرم علیه برخی از مسئولان حزبی مملکت نوشته است؛ چون بارها بدرستی طرح کرده که حزب و دولت تحت الحما - یه آن در کار جنگ مقا و مست در جنوب و غرب کشور و در پشت جبهه ها اخلال میکنند و در پرده دودی از شعارهای ظاهرا انقلابی مشغول زد و بند با آمریکا و خیانت هستند، و...

اینهاست که آقای خمینی با بیست کشیدن بهانه خلاف قانون و مجلس عمل کردن بنی صدر و ایشان سرپوش میگذارد؛ در حالیکه و خوب میداند که این مدعیان حاکمیت قانون و این

مجلس مشغول این خیانتها و بستی ها هستند و او اسناد و مدارک تمامی این کارها و مسائل را ماثا هده کرده است. ولی او با بدبدا ندو میداند، که این کارها و مسائل مورد اعتراض شدید و خشم مردم است و بنی صدر تا به بخشی از آنها را طرح کرده و خیلی بستی ها و خیانتهای دیگر هم وجود دارد. بعبارت دیگر اینجا اصلا مسئله شخصی بنی صدر و محاکمه وی نیست، و خمینی عملا با رفتن پای محاکمه و کوبیدن بنی صدر، مردم را بسه محکمه میکشاند و میگوید؛ ا عترک مات و خواستهای مردم است که زیر عنوان مخالفت با قانون و مجلس گذائی مورد حمله قرار میدهد.

در نتیجه خمینی با این کارش خودش را در برابر مردم قرار داده و زیر سوال و محاکمه مردم میکشاند. مردم بجای آن که نظاره گر مقدمه جینی های با صطلاح قانونی مجلس برای محاکمه بنی صدر باشند، خمینی را در باره این خیانتها و بستی ها ئی که مجلس مورد تاخیر و تشویق او بر آنها صه کرده است، و همچنین این مجلس را، به محکمه خویش خواهند کشید و قضا و تی سخت خواهند کرد.



کمکهای مالی دریافت شده

نام	کد	مبلغ	شهر
کارگر - ی	۵۰۰	ریال	شهر
کارگر - ر	۷۰۰	"	اراک
کارگر - ل	۲۰۰	"	"
م	۱۰۰	"	"
ر	۵۴۷	"	"
م	۲۳۳	"	"
ف	۶۸۲	"	"
علی اکبر	۱۰۰۰	"	"
خ	۳۰۰۰	"	"
چ - د	۵۰۰	"	"
کارگران مانین سازی	۴۰۰۰	"	"
ن - آ	۷۰۰۰	"	"
ح	۳۲	"	"
اصغر	۱۰۰۰	"	"
ی - س	۴۲	"	"
ح - ا	۲۰	"	"
ع - م	۱۰۰۰	"	"
ی	۲۰۰۰	"	درود
ر	۸۰۰	"	بندر عیاس
ف	۱۰۰۰	"	"

گزارشی از بیمارستان شرکت نفت آبادان واخلاق‌گریهای مرتجعین حزبی

بیمارستان شرکت نفت آبادان، عمده‌ترین و مجهزترین بیمارستان و فعال‌ترین مرکز درمانی در دوران جنگ بوده است. این بیمارستان ارتش جغرافیائی موعیب خطرناکی داشته و با بحال سرحدی با مرور اماست خصم و واقع شده است. این بیمارستان بطور معمول حدود ۴۰۰ پرستار دارد که در موعیب جنگی فقط تعداد ۱۲۰ نفر از اینها بوده اند که ماه به ماه عوض و بدل شده اند. یعنی هر ماه ۶۰ نفر از اینها می‌آیند و بقیه (یعنی ۲۲۰ نفر دیگر) در مناطق غیر جنگی می‌ماند. این ۱۲۰ نفر پرستار اکثراً (بفول خودسان) برای انجام وظیفه مذهبی خود و بیجا طر مردم و از زاویه میهن پرستی حاضر میشوند. زیر خیمه و خصم به آبادان آمده و در اینجا کارکنند. یعنی با وجود اینکه بعضی وقتها حتی حقوقشان (مزد) در سطح پایینی بری نسبت به دیگران بوده و شرایط غذایی و بهداشتی بدتری هم داشته اند، با همه اینها به دلایلی که ذکر شد حاضر بوده اند به آبادان آمده و وظیفه خود را انجام دهند، وظیفه‌ای که به خاطر سول بلکه برای خدمت به مردم و انقلاب ایران است. ارا بیدای جنگ همراه با اس پرستاران، تعدادی هم دختران دا و طلب (جواهر) به اس بیمارستان آمدند که بپرستاران بدون حقوق و فقط ارا و به خدمت کار میکردند. نه روز زمان حرباً با حزبی موجود در آبادان و بیمارستان، شروع کردند به پاکسازی این افراد. یعنی هر کسی را که کرایه سیاسی به نیروهای مرفقی داشت، اخراج کردند. بعدها افراد طرفدار حکومت ولی غیر مکتبی (مثل توده‌ای‌ها، ام‌تی‌ها و اکثریتی‌ها) راهم تا جایی که نتوانستند، اخراج کردند. یعنی فقط افرادی را که "مکتبی" بودند که داشتند. این افراد هم از زاویه اینکه چندان وارد نبودند، خیلی وقتها نا آکا‌ها نه، در انجام صحیح وظایف پرستاری (مثل رعایت اصول بهداشتی و پزشکی) اخلالگری میکردند. غیر از این مسئله خیلی از آنها آکا‌ها نه و برخی نا آکا‌ها نه و سبیله ای شده بودند در دست عوامل حزبی بیمارستان برای جاسوسی و تهدید پرستاران و حتی پزشکان بیمارستان. عوامل حزبی که می‌دیدند آنطور که میخواهند سلطه و قدرت دلخواهشان را نمی‌توانند بروی پزشکان و پرستاران بیاورند و آنها برده و اربابه تفیش عقاید و استبداد آنها تن نمی‌دهند و مستقیم و غیر مستقیم با آنها به مخالفت و مبارزه برمی‌خیزند، سعی کرده اند به خیال خود "انتقام" کشیده و استبداد، اخلالگری، تفرقه اندازی در بین افراد و نارضی کردن و خلاصه خالی کردن جبهه‌ها (و در اینجا بیمارستان) که اهداف و عملکردها و تعیشتان در جریان جنگ بوده است را به انجام رسانند. از اول جنگ به طرق کوناگون سعی کردند با ایجاد محدودیت و اختناق، کارکنان رسمی بیمارستان را مرعوب و مطلوب خود نما بیند که عمدتاً نتوانستند. بخصوص بعد از سفر نما یشتی و خود نما یانه رفسنجائی و رجائی به آبادان که به حق از طرف همه مردم شهر و بخصوص کارکنان بیمارستان مورد کم محلی و حسنی افساگری قرار گرفتند. دست سنا تدکان حرب جری تر شده سعی کردند با زور و حتی گذاشتن محافظ، تما و بیرو نقل قولها و مدح و ثنا های گفته شده در باره سران حزبشان را بر

از چند هفته گذشته یک روحانی بنام طاهری به اس بیمارستان آمده که در اولین جلسه همه پرستاران را جمع کرده و مستقیماً بدترین فحاشی‌ها و توهین‌ها را (که زمینده خود و "خواهران نشان" و اماکن کاروا قاتمتان هست) نثار پرستاران پزشکان، دبیرکارکنان و خلاصه کل بیمارستان شرکت نفت کرده است. این مردک مرتجع علناً و رک و راست گفته که اینها فاحشه‌خانه است و "دانشسک" راه انداخته اند و مشروب‌خانه است و افراد اینجایی دین و بی حجاب و عریان و... هستند. حرفهای اس فرد به حدی و تمیحا نه و تحریک کننده بوده است که تقریباً تمام پرستاران را که در ابتدا قصد داشته اند تا کم محلی به اس برخورد نکنند، ناراحت و عصبانی کرده و همه حرفهای او را عریان کردند. پس این فردا علام میکند که ما از همه کردار و رفتار اسما (پرستاران) سوار و مدرک داریم و وقتی که یکی از پرستاران میگوید که شما جاسوسی هم میکنید، میگوید که این جاسوسی نیست و عمل شرعی است. خلاصه این آقای طاهری و عوامل همدستش سعی میکنند در آن جلسه با استناد به برخی واقعیتها یعنی که در واقع عملکردها و رفتار پرستاران بوده، فداکاری، خدمت و انجام وظیفه درست و انقلابی تمام کارکنان بیمارستان را به لوث کشیده و آنها را مجبور به قبول شرایط اختناق و قرون وسطائی خود در باره نوع لباس و رفتار و افکار بنما یند. البته این آقای روحانی همچون دیگر همدستان حزبیست خوب میتواند عمل غلط و منحرفانه چند فردا ز پرستاران را به حساب همه بگذارد، ولی به نفع خود و عواملشان نمی‌بینند که به عمل کورتاژ که توسط سه تن از خواهران "مکتبی" شان که در همین بیمارستان در عرض چند ماه گذشته انجام شده، نثار کند. به هر حال بعد از آن جلسه، در بین تمام پرستاران و کارکنان بیمارستان صحبت مخالفت و اعتراض شروع میشود و حتی برخی میگویند که اگر وضع صورت با شما دیگر به آبادان نخواهیم آمد و صحبت از این میشود که صدای اعتراض به حق خود را به طرق مختلف به گوش مردم ایران و مقامات شرکتی و دولتی برسانند. بعد از چند روز آقای طاهری و عوامل حزبیست که در بیمارستان و شهر هستند، بسیاری فریب پرستاران و در ضمن جلوگیری از شدت مخالفت و مقاومت آنها عده‌ای از پرستاران را جمع کرده و بطور غیر مستقیم عقب نشینی کرده و عذرخواهی میکنند. البته گفتنی است که حزب سون حاکم بر بیمارستان همچنان بر انجام شرایط تحمیلی و مستبدانه خود با فشاری کرده و جاسوسی و جواختناق حاکم بر بیمارستان را تشدید میکنند.

گزارشی از بیمارستان...

بقیه از صفحه ۸

خبری از اهواز:

توهین به شهدای مردم توسط عوامل حزب

روزی پنجشنبه ۶۵/۴/۷ در بهشت تهادی اهواز ساداتی بودند که عده‌ای با لباس شخصی که بعضی هم ملبس به لباس سیاه بودند، در بالای قبر شهدایی از جنگ جمع شده، و ضمن توهینهای ناروا و بجرم اینکه این شهید کمونیست بوده به قبرش تفرقه می‌کردند و سنگ می‌انداختند و با لگدمال سنگ قبر او میکوبیدند و یکسایان سعی داشتند که روی سنگ قبر را کل مالی کند و یکسایان ادعا میکرد که شرم از حضور مردم دارد و گرنه به روی آن می‌سایند، و میگفتند که جای این اینجا نیست و باید از این محل بیرون اسداخته شود. موضوع دست به جاهی "باریک" می‌کشید که عده‌ای از مردم به آنها اعتراض میکنند یکی از میان مردم با صدای بلند میکوبید هر کسی که در این محل بخاک سیرده شده فرزند من است، اینها همه برای ما قابل احترام هستند و کسی حق توهین به آنها را ندارد، خواه کمونیست با سدا نباشد. (لازم به توضیح است که این قبر متعلق به عنایت الله رشیدی بوده که چند ماه قبل در جبهه‌های جنوب شهید شده است).

بقیه از صفحه ۱۴

مردم چه میکنند

تعدادی صحبت میکردند که تا زه اول اوضاع است و از این هم بدتر خواهد شد. تنها هراتها مثل زمان انقلاب ادا مه خواهد داشت. و حزب نیز مثل شاه سرنگون خواهد شد. مادری با نا اراحتی و عصیانیت، در برخورد به رجاله بازیهها و شعرا ره‌ای گروهی از او باش حزب الهی، گفت: "این همه جوانان ما که کشته شدند، جوانان خون دادند، اینها آمدند دارند قدرت نمایی میکنند، آنها این بی شرفها نمی فهمند که جنگ است، نمی فهمند با مردم آزادباشند، حرف بزنند، خمینی با سخنرانی اش دیگر رفت با اینها، دیگر نمی شود روی او حساب کرد." زن و شوهری که با حیرت به عربده‌کشی حزب الهی ها و رفت و آمدات تومنیل های با سدارها و کمیته‌چی در اطراف آنها نگاه میکردند، میگفتند: "همه مردم حالا با بدتوخی با ن بیا بیدو مقابل اینها با بشتند." در این میان زنی میگفت: "عین جریان ممدق شده است و اینها جماع بدستان شعبان بی میخ اند." برخی از مغازه دارها، که قبلا در نما زجمعه شرکت میکردند بعد از سخنرانی های اخیر خمینی و رجاله بازیه‌ای اخیر، می - گفتند که دیگر در نما زجمعه ها شرکت نخواهند کرد.

در مناطق جنگی، نقش همدست مزدوران یعنی را بازی میکنند و عملکرد اینها در همین بیمارستان وسیع در خوابانیدن بیمارستان شرکت نفت که در واقع مرکز اصلی امداد و درمان در آبادان هسته چیزی جز خدمت به رژیم بعث عراق و حاکمان مرتجع و امپریالیستش نیست.

با شد که با مقامات و مپا رزه قهرمانان نه رزمندگان جبهه ها و یشتیانی مردم ایران (و در اینجا پرستاران و کارکنان بیمارستان) مزدوران یعنی را از خاک میهن عزیزمان بیرون رانده و با سرنگونی حزب جمهوری اسلامی و همدستان حکومتی شان توطئه‌های مرتجعین داخلی و امپریالیستها را خنثی کرده و انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی میهنمان را تا پیروزی نهائی ادا مدهیم.

تعطیلی بیمارستانها و اخلاص در جبهه‌ها خواست امپریالیستها، بعثیون و حزبییون است. مپا رزه با توطئه‌های حزب جمهوری و صدامیان متجاوز و امپریالیستهای حاکمین را ادا مدهیم.

شکست توطئه‌های امپریالیستها، بیرون راندن متجاوزین و سرنگونی حزب جمهوری اسلامی لازم ادا مده انقلاب ایران است.

از جمله گفته‌اند که پرستاران با پزشکهای زن حق ندارند با مردان بیمارستان (حتی پرسکون) صحبت کنند. مردان فامیل و با آسای پرستاران را نمی‌گذارند دیدن تا بیایند یا اگر بیایند مرتب بر سر گرفته و حتی سعی میکنند برایشان اشکال تراسی کنند.

لازم به تذکر است که پرستاران و کل کارکنان بیمارستان بعثت عدم شکل و داشتن رهبری آگاه و انقلابی، ممکن است به علت این فشارها و محدودیتها، واقعا به تهدید خود عمل کرده و از همان حقوق خود هم گذشته و دیگر به آبادان نیایند. که این مسئله میتواند از نظر پیشرفت کار پزشکی و درمانی بیمارستان مشکل ایجاد کند و بیمارستان تعطیل شود، چرا که خواهسگران و کارکنان "مکسی" (جهومی و جدو اراتی) آنقدرها وارد و کافعی نیستند که بسوا بسا مور بیمارستان را به پیش برند. چیزی که روشن است این است که اگر این جریان به تعطیلی بیمارستان بیانجامد، ضرر در وهله اول بدرمندگان جبهه‌ها و بطور کلی نیروهای ایرانی که در حال جنگ با مزدوران متجاوز بعثی هستند، وارد می‌شود. و این در واقع یکی از اهداف حزبییون از احکام این فشارها و محدودیتها بسا است. آنچه که مسلم است این است که حزب جمهوری اسلامی بر طبق خط مشی و اهداف شان نامه و دمردمی خود، بسجحه، مطلوبی: بیارضعیف نیروهای ایرانی در این جنگ و ایجا دا خلالتی در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها و بطور کلی شکست ایران در این جنگ مقام و میهنی را نمی‌خواهد.

لازم به یادآوری است که تقریباً عین همین وضعیت را حزب بیون حاکم در اکثر بیمارستانهای مناطق نفت خیز (خوزستان) از اوایل جنگ بوجود آورده‌اند، بطوریکه پرستاران زیادی بوده‌اند که کار کردن در آبادان را با وجود شرایط جنگی و خطر مرگ، بر کار کردن در شرایط اختناق و رعاب بیمارستانهای مناطق نفت خیز ترجیح می‌دادند.

با توجه به کل اوضاع یاد شده در بیمارستان لازم است تا کسید شود که وظیفه انقلابی و میهن پرسانه‌های ایرانی، از جمله کارکنان بیمارستان (بخصوص پرستاران)، حکم میکنند که به خواست حزبییون مرتجع تن در ندهند و بیدارستان را که در واقع بیسرای خدمت به مردم آبادان و رزمندگان جبهه‌ها میباشد، خالی نگذارند. کارکنان و پرستاران و پزشکان مبارز و میهن پرست با یستی توجه داشته باشند که تنها با باقی ماندن در بیمارستان و انجام وظیفه مقدس خود در شرایط فعلی و مبارزه با اعمال و رفتار مرتجعانه و مستبدانه حزبییون و طرفدارانشان نمیتوانند جلوی تبلیغات دروغین این خائنین به ملت و انقلاب را بگیرند و ما هیت واقعیتان را در عمل بومردم ایران نشان دهند. آنچه که امروز برای انقلاب و مردم ایران (بخصوص مردم مناطق جنگی) مهم است سعی و کوشش در بیرون راندن مزدوران و پیروزشدن در این جنگ میهنی است. وظیفه همه ما است که مزدوران بعثی و همدستان داخلی آنها را که با اخلاص در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها سعی در شکست انقلاب ایران دارند را نابود نمائیم. حزب جمهوری اسلامی و عوامل مزدور و رزمه‌جای ایران بخصوص

کارنامه یکساله مجلس شورای اسلامی (۳) دنباله از شماره پیشین

اما 'شاه' کار مجلس

" تاریخ " بردار کیهان نویسی ما که در عین سوخ طبعی ، کمی هم وقیح تشریف دارند ، طبع " سنن " پسندیده ، حزبی البته ، به خیانت بزرگی به آرمانهای ملی و فدا مهربالیستی ملت ایران در " حادثه " آزاد سازی جاسوسهای آمریکایی وقوع یافت ، رجوع کرده و این یکی را نیز از کارهای " دور از انتظار " این " نهاد انقلابی " دیداند :

" برخورد مجلس با مسئله کروگانها نیز یکی دیگر از کارهای این نهاد مردمی به سارم برود . مجلس در طسول یکنال گذشته به مسایل سیاسی بین المللی موضعی کاملاً انقلابی (!!) داشته که بعضاً دور از انتظار بود (!!) نگفیم جناب " تاریخ " بوسی ما سوخ طبع اند!

مردم ایران را حداقل در مورد این " یکی دیگر " نمیتوان فریب داد . اگر چه مسئولین بدنهاد دولت مورد تائید مجلس کذایی ، و خود نمابندگان حزب پرست با هیاهو و جنجال و هوجی - گری ، برده ، دود " پیروزی " بر این خیانت ملی کشیدند ، ولی خیانت آنچنان واضح و آشکار بوده و هست ، و از آن زمان به بعد آنقدر سندی و مدرک درباره این خیانت برملا شده ، که دیگر دیوار جاسوسان را بالاتر نمیتوان کشید . ما سه آنچه که در گذشته ، اینجانب حضرات گفته اند کاری نخواهیم داشت . از اینکه چگونه بسا در غیب می انداختند و می گفتند تا آمریکا ۲۴ میلیارد دلار بدهد ، جاسوسان را آزاد نخواهند کرد . ولی هم ۸ میلیارد دلار دادند و هم جاسوسان را آزاد کردند ؛ کار نخواهیم داشت . به اینگونه چگونه بیخ و فربا دبراه انداختند که تا آخر در مقابل امپریالیسم آمریکا خواهند ایستاد (بدروغ) ولی از وحشت هارت و پورتهای یک هفت تیرکش ها لیوودی به نام ریکان قالب تهی کردند و جاسوسان را ایمنانه هدیه ای ، در ساعت اول ریاست جمهوری ایمن مردک فاشیست آزاد ساختند ؛ از این صحبت نخواهیم کرد که سه چگونه لاف و کزاف خارج کردن اموال ایران را از حلقوم آمریکا می زدند ، ولی نه تنها اموال و دارایی های ایران را دادند ، بلکه تا راج کریهای بانکهای امپریالیستی ، مطالبات سلطنت طلبان فراری و حتی خرج سالیان گذشته سک و کربه های علیسا - مخدرات درباری را نیز تقبل کردند . فقط کافی است از زبان آمریکا ، که امروز که هم میباید است جه خائنانی بر سر کار رسد ، استخا می کند ، نمونه ای بیابیم تا عمق این خیانت رسوا و خائنان بر بادده آشکار گردد :

" ... ادعای آمریکا که قابل قبول تشخیص داده شدند از " حساب تضمینی " که بوسیله ۱ میلیارد دلار از ۱۲ میلیارد دلار دارایی های ایران که بمدت ۱۴ ماه در امریکا توقیف شده بود ، تا مین شده پرداخت خواهد گردید .

" از بقیه دارایی های ایران که از توقیف خارج شدند ، ابتدا ۸ میلیارد دلار به حسابی در بانک انگلستان واریز شد تا ۵۲ کروگان آزاد شدند . ایران بخشی از آن

را برای پرداخت ۲/۷ میلیارد دلار از وامهای بین المللی استفاده کرد . ۱/۴ میلیارد دلار دیگر صرف با پرداخت وام های بانکهای خصوصی گردید . بنا بر این ایران مستقیماً فقط نزدیک به ۲/۸۷ میلیارد دلار دریافت کرد - مقدار ناچیزی نسبت به ۲۴ میلیارد دلار که رژیم انقلابی (!!) ایران ابتدا تا درخواست کرده بود . علاوه بر ۲/۳ میلیارد دلار از دارایی های ایران در بانکهای آمریکا با قیمتهای تا سرنوشت ادعاهایی که در دادگاهها - های آمریکا در جریان است روشن شود . این پول بالاخره ممکن است برای پرداخت ادعاهای آمریکایی ها استفاده شود سیاری از مدعیان آمریکایی تهدید کرده اند که قانونی بودن دستور کار ترتر (در دادگاهها) بزیبر سؤال خواهند کشید . تا تصمیم دیوان عالی کشور آمریکا در این مورد ، دارایی هایی که ایران در آمریکا دارد ، مسدود خواهند ماند مذاکره کننده آمریکایی - آلد ریچ (یکی از اعضای هیات داور بین ایران و آمریکا) پیش بینی کرده که کوشش برای گرفتن این دارایی ها " به احتمال قوی سالها طول خواهد کشید " . (مجله " تایم " - اول ژوئن ۱۹۸۱ - ۲۵ خرداد ۱۳۶۰)

" اینها " این چنین " پیروزی " بدست آورده اند !! از " قولی " که از آمریکا گرفتند تا در مورد اخذ ایران " دخالت " نکنند ، آنهم وقتیکه نیروهای عراق به تحریک آمریکا بخش وسیعی از خاک ایران را در اشغال خود داشتند ؛ از " امتیازی " که از آمریکا گرفتند تا دارایی های ایران را آزاد کنند ، ولی بیش از ۱۰ میلیارد دلار را با دادند با خود ؛ از " امتیازی " که از آمریکا گرفتند تا تمام ادعاهای کمپانیها و افراد آمریکا - بی (که سلطنت طلبان هم در زیر این نقابها پنهان گشته اند) ملغی شود ، ولی ۲/۳ میلیارد دلار از دارایی های ایران هنوز برای باز پرداخت این ادعاهای دربانکهای آمریکایی توقیف است و این چنین " پیروزی " بی نظیرو " تاریخی " جهان هرگز ندیده بود!

بموجب " قانون اساسی " شان قراردادهای و مقاوله نامه ها با کشورهای خارجی باید به تمویب مجلس شورای اسلامی ششان برسد . ولی بخاطر اینکه این قراردادها را مجبوراً باید به مجلس بیاورند و در آنجا احتمالاً " بعضی " ها که رای کمی هم میآورند ، اعتراضی بکنند بر آن نام " بیانیته الجزایر " گذاشتند . و تازه موقعی هم که مقدار کمی قبل از آزادی جاسوسان به بحث پرداختند ، آن را در جلسات مخفی انجام دادند تا مردم ندانند چه خیانتی دارند انجام میدهند . آخر زمانیکه دو دل داده - یعنی آمریکا و حزب بیون - با هم سرد عشق میبازند آن را نمیتوانند در ملا عام انجام دهند ؛ قیاحت دارد !! مادر تاریخ فاحشای ندیده بودیم که هم هر چه دارد به مشتری بدهد ، و هم وجه را بپردازد . باید خیلی " دل داده " باشد !!

درباره همین شیوه " حل مسئله کروگانها " است که جناب هاشمی رفسنجانی با آب

کارنامه ...

بقیه از صفحه ۱۰

اسلامی " شرف دارد. تاریخ این را میگوید! داستان ایمن مجلس بیشتر به داستان مجلس چهارم مشروطه میماند که همسوار کننده راه استعمارچیان انگلیسی و رضاخان قلندر بود. عسارف قزوینی چه خوب دربارها اینگونه مجالس گفت:

خوابند و کیلان و خرابند و زیران

بردند به غارت همه سبم وز رایبران

این بیت نغز برای این مجلس هم صادق است.

" کیهان " نویسنده " تاریخ " دوست ما با لاف و طعنه های نسیب آورد و در مورد مبارزات " غذا میریالیستی " و " دور از انتظار " مجلس به نتیجه گیری می پردازد:

" این را نمیتوان انکار کرد (بر منکرش لعنت !) که مجلس شورای اسلامی نقطه اتکاء و امید کلیه جنبشهای آزادیبخش بوده و هست. در همین چهار رفته، اخیر دیدیم که خلق محروم ایرلند با اتکاء بر پشتوانه خود (یعنی نهادهای انقلابی میهنمان) اراده خود را در مسیر راهی از قید امپریالیسم انگلیس مستحکم تر از همیشه ساخته است !! "

این مجلس کذایی برای ملت ایران چه کرده حالا " نقطه اتکاء و امید " بقیه ملل محروم گشته است؟! این " نهادهای انقلابی " برای این ملت چه کردند که حالا " پشتوانه " مردم ایرلند در مبارزه با امپریالیسم انگلیس شده اند؟! یکی از همین " نهادهای انقلابی "؟! یعنی دولت رجایی - نبوی است که با جلادان مردم ایرلند، قراردادیک میلیار دپوندی امضاء میکنند، اینطور نیست؟

از بررسی " تاریخی " خیانت ملی و عظیم در مورد جاسوسان آمریکایی بگذریم. فقط این را اضافه کنیم که اخیر آقای بنی صدروپیر و نشان به اطلاع ملت ایران میرسانند که طوسی چندین و چند نام عواقب شوم " بیانیته الجزایر " را به اطلاع دولت رجایی رسانده بودند. اینکه این اسناد مسئله خیانت عظیمی که صورت پذیرفته را روشن تر میکنند، حرفی نیست. فقط باید آقای بنی صدروپیر و نشان پرسید از چه موقع عواقب دزدی و خیانت را به اطلاع خود دزد و خائن میرسانند؟ چرا همان موقع این عواقب را به اطلاع ملت نرسانند تا جلوی ایمن گستاخی ضد ملی و خیانت آمیز را بگیرد؟ آیا آن موقع هم هنوز " بنا بر دعوا " نداشتند؟ امیدواریم امروز همه فهمیده باشند که بنا بر دعواست. موضوع دعوا هم آزادی و استقلال و تمامیت ارضی کشور از یکسو، و استبداد و وابستگی و بذل و بخش از خاک ایران از دیگر سو است!

و تاب از جمله " افتخارات مجلس " به حسابش میآورد و میگوید: " دیگر حل مسئله کروکاتنها کار مهمی بود و معیار برای اجراء بدست دولت داد. "

بعده! آنهم چه " معیاری ". از بعد از این خیانت بود که نهاد اجرایی در دست حزب راه را با زناخت، روابط با کشورهای کمپانی های امپریالیستی دوباره برقرار گردید. بر مبنای همین " معیار " بود که دولت مردان مکتبی قرارداد با تالیوت را ببلخ یک میلیار دپوند انگلیسی امضاء کردند. (این اسم " تالیوت " را دکول زنده نیاید باشد. تالیوت فقط نام شعبه انگلیسی کمپانی معلم اتومبیل سازی کرایسلر آمریکا است). بر مبنای همین " معیار " است که مذاکرات با فولکس واکن و پژو و شرکت های اتومبیل سازی ژاپنی به پیش میسرود؛ بر مبنای همین " معیار " است که مذاکرات با اروپا آلمان برای بررسی زمینه های سرمایه گذاری در ایران آغاز میشود؛ بر مبنای همین " معیار " است که قرارداد شکر با کمپانی های امپریالیستی بسته میشود و میلیونها پول این مردم محسروم بوسیله چندشاید بالا کشیده میشود و با مجلس آن را در جلسات " مخفی " ماستمالی میکند؛ بر مبنای همین " معیار " است که ایران دوباره بمانند زمان شاه به کشوری فروخته و نفت و وام کیرتبدیل میشود و جناحان دولت مردان و مجلسیان مکتبی آن راشیوه ای پسندیده و انقلابی!! جا میزنند. این مجلس، مجلس خیانت ملی و وابستگی به امپریالیسم است!

" بیانیته الجزایر "، این کار " غذا میریالیستی " و " مهم " دست پخت حزب و مجلس حزبی، آنچنان مفتضح بود که آن را بدرستی با قرارداد دانشگاه و شوق الدوله، مقایسه نموده اند. " تاریخ " نویسنده کیهان برای خنثی کردن این تبلیغات منافقانه خود چیزی در چنته نداشت و بنا بر این بسط راغ " تاریخدان " شهردیگری - یعنی جناب آقای سبحان الهی " نماینده " تبریز - رفت و ایشان با اشاره به قرارداد استعماری ۱۹۰۷ بین روسیه، تزاری و امپراطوری انگلستان در مورد تقسیم ایران - که مبنای قرارداد ۱۹۱۹ و شوق الدوله بوده است - چنین افاضه فرموده اند:

" ... اولین مجلس بعد از انقلاب به مخالفت با ایمن قرارداد دیر میخیزد و آن را محکوم مینماید. دولت روس و انگلیس در مقابل این اقدام مجلس مخالفت خود را از طرق مختلف با مجلس آغاز میکنند. دولت روس مزبور ... زمینه تعطیلی و انحلال مجلس را فراهم میآورد. (به همان " ویژه نامه " کیهان رجوع کنید)

" تاریخدان " ما فکر میکنم استدلال محکمی گیسر آورده است. آن مجلس اول پس از انقلاب مشروطه ایران، در مقابل این قرارداد دانشگاهین مقابله کرد، مقامت کرد اگر چه بقول " حضرتش " تعطیل کردید. ولی حداقل مبارزه کرد! ولی ایمن یکی مجلس اول پس از انقلاب اسلامی " در مورد همان کونسه قرارداد دخیانتبار چه کرد؟ آن را تا شید کرد و بر آن صحنه گذاشت؟ مجلس اول دوران مشروطه مدتها بر مجلس اول دوران " انقلاب

براه مردم و برآه آزادی و استقلال بازمی کردند. فکر نکنند "آزاد" هستند چون میبوسند هوربلاکاردی درسرها راهها در دست بکنند. "آزاد" ندکه مجبوز حزب جمهوری را بکوبند، "آزاد" ندکه به آلت دست حزب و نیروی ضربتی چماقداران حزبی و کودتاجی تبدیل کردند. هما نقدر "آزاد" ندکبه بردهای درچاپلوسی از او باش آزاد است. هما نقدر "آزاد" ند که خودفروسی در عرضه سرب و عصب و عفت خود آزاد است. ای تنگ براین "آزادی" ! این هواداران بدانند که

"آزادی لقمه سهل الوصول نیست بلکه شهری است که باید آن را بزور شمشیر فتح کرد، کسی که آزادی را از دست دیگران دریافت کند همچنان برده و بنده باقی خواهد ماند...." (بیکوس کا زانتر اکیس)

مرک برآن "آزادی" که از دست مستبدین قرون وسطایی چون بهستی و آبت و جمران دریافت شده، مرک برآن "آزادی" که از دست وطن فروشان بدنامی چون رجایی و نبوی تحصیل گردید، ای مرک براین "آزادی" !

ما به هواداران فدائیان (اکثریست) آن عده ای که هنوز جوسی و دره ای از آزادیخواهی و از استقلال طلبی در وجودشان باقی مسود، همدار میبدهم و اخطار میکنیم. اینها بدانند که طلب آریا دسحا و در صورت دردها و رنجها و فسا رها چه کسانسی به آنها سب کردند و بدبر آنکه از سب بر آنها خنجر زدند. بیسار داسه با سبند که طلب سب اسفا مجوست، وزمان انتقام بخصوص ارآن کسانسی که مردوروارسرافت و حیثیت خود، و آرمان های والای مردم را به وعده های پوچ تاخت زدند هرگز نخواهند بخسید. "این سیره سب را کمان میر که سحری بدنیال نیست" !

مردم ایران بدانند که ذره ای و ارزنی از شرف و حیثیت برای رهبران فدائیان (اکثریست) باقی نمانده است. بدانند که اینها و برادران بزرگ تر توده ای شان دست در دست کودتاچیان آزادی کش و وطن فروش حزبی در توطئه بزرگی که اکنون در مملکت در جریان است شریک هستند. بدانند که این آبرو باختگان و ورشکستان به تقصیر بدروغ نام بزرگ کمونیسم و انقلابی کری را بدک کرده اند، و خرنه نه از کمونیسم و پیویسی برده اند و نه از انقلاب. بدانند که کمونیستهای واقعی و انقلابی ایران، در کنار مردمان تاپای جان بر آرمانهای والای آزادی و استقلال پافشاری میکنند و بمانند آنها از توده ای - اکثریتی های بی سرم نفرت دارند. بدانند که در نفرت بحق شان نسبت به این دارودسته های ارتجاعی و در میا رزه شان با این آبرو باختگان، کمونیستهای واقعی و انقلابی در کنارشان هستند. اینها را با پیدا ز صحنه بدر کرد، بدرخواهندند. کورنیسان را کم خواهند کرد!

استقامت را شما خود در گذشته با فته اید و اینک میتوانید بیا بید و با به کسانسی که شتا بزده میخواستند کار را بکسر، کنند با رهها کفته ام و حالام میگویم برنا. مه کارنان حذف اختیارات ریا - ست جمهوری است کفتید این حرف بدروغ سال است و معلوم شد بدروغگوی سال که بود.

برنا مه کارنان حذف ریا ست جمهوری است کفتید بدکمانی و خیال است تا اینجا آمدید، بیا شیده ما هتکی بوجود آوریم و با اجرای واقعی قانون کشور را از مهلکه بیرون ببریم. قانسون را وسیله اجرای نیات خود کردید و اجرای واقعی آنها تا این حد مشکل ساختند.

برای برهبر کردن از خطرها، برای آنکه مردم کشور نگران تر از آنچه هستند نسود، بیا شید:

الف: آزادی مطرح در قانون اساسی را محترم شمارید و آزادی بیان و قلم را تا همین کنید و مطمئن باشید مردم ما عاقل و رشید هستند و با مقاله ها و حرفهای تحریک آمیز تحریک نمیشوند.

ب: قانون اساسی را مویه مواجرا بگذاریم و هر جا که خلاف انجام شده است معین کنیم و با زگردید و قانون را اجراء کنیم.

ج: دستگاه قضائی را همانطور که اسلام میگوید مستقل و بی طرف کنیم و اعتماد و امنیت واقعی را پدید آوریم. بجای سردا حتن به حذف همه و همه و اعمال زور در برخورد با هر مشکلسی برنا مای برای حل مشکلات کشور به اجراء بگذاریم و از راه بحث آزادی واقعی مانع از آن کردیم که برخورد اندیشه ها به برخورد چماقها و سلخه ها بدل گسردد.

خواهش میبرادر: با کمال صداقت وضعی را که میبینیم برای شما شرح دادیم به شما میگویم اعرا مزوز که هنوز وقت باقی است تا اینستاده ایسدو استبداد را که هنوز دوام نکرده دفع شرت کردید و استبداد با سلطه خارجی پیوند قطعی پیدا کرده است آنچه را که گفته ام و بدتر از آنرا بر سر شما خواهد آمد.

امروز از صبح تا شام و از شام تا صبح چماقداران رسمی و غیر رسمی محل زندگی و کار رئیس جمهور منتخب شما را در محاصره دارند، اینها مستثنی هستند میتوانند هر تظا هری را بکنند و هر ردالتی را انجام دهند فردا با شما مردم چه خواهد کرد؟ خداوند را به خواهی میگیرم که به وظیفه خود عمل گسردم آنچه را که با ید به اطلاع شما میرسانم بر شما مردم است که نگران سرنوشت انقلاب اسلامی و کشور خود باشید و استقامت کنید.

رئیس جمهوری ابوالحسن بنی صدر

۲۲ خرداد ۱۳۶۰

لطفا "در تکمیر آن بکوشید."

مرگ بر استبداد در پرده دین

خبرهای
پراکنده

بقیه از صفحه ۱۵

کارگران کارخانه مزدا
انجمن اسلامی کارخانه را منحل کردند

بقرا را اطلاع کارگران غیور و مبارز کارخانه مزدا انجمن اسلامی این کارخانه را منحل کرده و در لانه کشیف این جیره خوا -
ران حزب مستند و وابسته حاکم یعنی حزب جمهوری اسلامی را
تخته کرده اند. حرکات انقلابی کارگران این کارخانه با سب
سرمی همگی کارگران و کارمندان و دیگر اقشار و طبقات مردمی
در ارتز گرفته و هر جا که هستند به انحلال و انهدا م این محافل خائنین
به ملت و انقلاب و کشور و نظایر آنها ز جمله مجلس دست نشا ننده و
فدملی سردازند.

کارگران پالایشگاه شیراز
خواهان برکناری دولت رجائی شدند

بقرا را اطلاع کارگران نهرمان شرکت نفت (بالاسکا شیراز)
مدت ۱۰ روز است که با خواسته های از جمله برکناری دولت
رجائی دست به اعتصاب زده اند. و همچنین کارگران انقلابی و
مردم دوست شرکت نفت (بالاسکا هافهان) نیز از این عمل
برادران خود در شیراز حمایت کرده اند. کارگران صنعت نفت با
این عمل خود نشان دادند که میتوانند و با بدستل سابق پیشوای
مبارزات طبقه کارگر و ملت ایران در فلج کردن اقتصاد
سیاسی دولت مزدور و بیگانه برست رجائی خود فروخته باشند. ما
(اتحادیه کمونیستهای ایران) بدین وسیله پشتیبانی کامل خود
را از این حرکت دلیرانه و انقلابی کارگران صنعت نفت (شیراز و
اصفهان) اعلام کرده و از طبقه کارگر و همه ملت ایران میخواهیم
که از این عمل پشتیبانی کرده و با خیزند.

کارگر مبارز صنعت نفت! درود همه خلقهای ایران
بر تو باد!

مردم چه میگویند

(روزهای ۲۱ و ۲۲ خرداد)

بررسی گفتگوهای پراکنده مردم کوچه و بازار تهران در
این روزهای بحرانی انقلاب ما نشان میدهد که روحیه انقلابی
نوبنی نضج پیدا میکند. توده ها عموماً از دستخزانی اخیر
خمینی عصبانی شده و با او مرزبندی میکنند.

بسیاری از افراد بعد از سخنرانی اول خمینی هنوز محافظه
کارانه و بی برخورد میگردند و مثلاً میگفتند: "امام هم نباید
چنین چیزی میگفت، باید مراعات بنی صدر را میکرد، بالاخره
بنی صدر را در که میچنگند."

اما بعد از سخنرانی دوم خمینی بسیاری از مردم تحریک
شده خیلی قاطع ضد حرفهای او صحبت میکردند. برای نمونه می
گفتند: "مملکتی که رهبرش به بنی صدر تحش بدهد و بگوید هر که
نخواست از مملکت برود بقیه دیگر چه میشوند." "همه با بنی صدرند
و یک عده معدودی از حزب دفاع میکنند! امام اینها را با بسد
بدا ندونبا بد طرف بهشتی را بگیرد." اکثر آگاهیها شتند که
"مملکت را خراب کردند، بیچاره کردند." "آدم یا در حرفهای
شاه در روزهای آخر عمرش میافتد." بقیه در صفحه ۹

خبری از
تبریز

در چند روز اخیر در تبریز عده زیادی را به جرمهایی تحت
عنوان لواط و حمل مواد مخدر از طرف دادستان تبریز اعدام
سده اند. از جمله کسانی را که به اعدام محکوم نبودند، جوان
۲۱ ساله ای بودیم که با کسی که از فرار از بچه های پاک و بی آزار
محل بود که حدود یک ماه پس از کوه محل خود با عده ای دیگر از
بچه های محل مشغول بازی فوتبال بود که ناگهان توبس
عما مه، یک آخوندی که عبور میکرد خورده و آخوند شروع به تاسزا
گفتن کرد. ولی بچه ها (صمن خنده) عذر خواهی کردند. آخوند
مزبور دست از لجاجت برداشته و پاسداری را صدا کرده و این شخص
را دستگیر میکنند. چند روز قبل اطلاعیه برای خانواده ایس
جوان فرستاده و از آنها خواسته اند که بیایند و جنازه بچه اش را که
بجرم لواط اعدام شده بود ببرند. گویا این خبر در یکی از روز
نامه های خود فروخته عصر کنسوربین تاریخ ۲۰ الی ۲۴ خرداد
ما درج شده است. این نمونه ای از حکومت مستبدین و آشورار
وابسته به ابرقدرتها تح لواطی حکومت دین و مذهب است.
مستبدینی که روزی نیست که خودشان دست به عمل لواط و حتی با
پاسدار محافظ خودشان هم نزنند، آنوقت جوانهای پاک و شریف
این مردم را به این جرم به اعدام محکوم میکنند. ملت ایران هرچه
زودتر باید تکلیف این بیغیان و خودفروختگان و نوجسه های
قمة بدست آنها را یکسره سازد و همه شان را به دیار آن شاه ملعون
بفرستد. اینها فکر میکنند با ایجا دجوتور و وحشت میتوانند
مقاومت و یکپارچگی ملت را از بین ببرند و حکومت اختناق و
خفقان خودشان را بی دردسرتربه پیش ببرند. ولی ملت آگاه و
بیدار این سرزمین بخوبی میدانند که این حرکات قبل از آنکه
در بیسان ایجا دو حس کند، سفاک و ترس اینها ارمضا
و موبیکبار چکی و قیام مردم است.

مرک بر حکومت استبداد دووا بستگی در برده دین
زنده با دانقلاب، استقلال، آزادی و تما میست
رضی ایران!

« در این روز مردم حادثه حزب اللّه را در میدان ولی عصر آتش زدند. هم‌چنین در همین روز در دهها نقطه تهران تظاهراتی برگزار کرده و درگیری میان جوانان و اوباش حزب الهی جریان داشت. »

خبرهای پراکنده

« در این روزها حدود هزار رنتر از اعضای سپاه پاسداران، بعنوان مخالفت با سخنرانی‌های اخیر خمینی علیه بنی صدر و مردم، استعفا داده و از سپاه خارج شدند. در پی این جریان تصفیه سپاه ارتقا مرشد حزبی کسریش یافته است. »

« رهبری حزبی سپاه اقدام به عضوگیری جدید کرده و بدین منظور ده‌ها تیر و جوانها را زورسواران آیین کرده و سپس از آموزش عسویه می‌کند. نمونه این کار در یکی از روستاهای اطراف قره چمن تبریز دیده شده است، که به ده ریخته‌اند و حدود ۱۶ نفر را بنام خدمت به اسلام، امام خمینی و غیره برده‌اند. »

« تمام یادگاران در حال آماده‌باش میباشند که در صورت ربختن مردم به خیابانها به دستور فرماندهان خود فروخته به سرکوب سردا زنده ولی کور خوانده‌اند، چون درون شکاف عمیقی از هم اکسوز آتکار است. طبق اخبار واصله هم اکنون دو وصف بندی در درون ارتش مشاهده می‌شود: در یکسوا ایستگان حزب حاکم، ساواکیها، توده‌ایها و اکثریتیها و "امت" و فرماندهان خائن و در سوی دیگر اکثریت سربازان و درجه‌داران و طرفداران نیروهای مفرقی. »

« بچه‌های زورآباد کرج، موشکهای کاغذی درست کرده و روی آن مینویسند، مرک بریشتیم، رفسنجانی، و... و بیخانه‌ها می‌اندازند و دیوارها همه‌جا همین را مینویسند. »

« طرفداران "سازمان پیکار... در همه‌جا مردم را به بی عملی و انفعال تشویق کرده و میکوبند دعوی هر دو جناح (یعنی بنی صدر و حزبی‌ها) برای قدرت خودشان است و مردم نباید با درمیان‌نی کنند. آنها همه‌جا توسط توده مردم را توده شیوودا هم طرفداری از حزب حاکم به آنها زده میشود، چه ایشان در دفاع از خط مشی فدا نقلابی خودناچارند موضع خود را درقبال بنی صدر و جنبشی که بنام وی برافراشته توجیه کنند و همان حرفه‌های حزب الهی‌ها، توده‌ای‌ها، اکثریتی‌ها و امتی‌ها را تحویل مردم دهند. خط مشی این سازمان مایه ننگ کمونیستهاست. »

« این اتومبیل گشت از آن اوباش حزب الهی است :

پیکان آجری رنگ دارای باربند بشماره

۵۶۴۴۴ یا

۵۶۷۴۴

در شماره قبلی " حقیقت " تعدادی از این اتومبیل‌ها معرفی شده‌اند.

« اخیراً در برخی کمیته‌ها جمعیه‌های حاوی اسلحه روسی آورده میشود و سپر این سلاحها را میان افراد ۱۵، ۱۶ ساله تقسیم میکنند، تا از این نوجوانان علیه مردم استفاده کنند. »

دوشنبه ۲۵ خرداد

روز دوشنبه ۲۵ خرداد در پی فراخوان تحریک آمیز دادستان، مبنی بر اینکه "مردم" خودشان به‌خوبی آنها آمیزه و جلوسوی تظاهرات مخالفین "اسلام" را بگیرند، توانستند حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر افراد ناگهان را با یک هسته متحرک حزب الهی چند هزار نفره در خیابان انقلاب تهران خصوصاً میدان فردوسی جمع آوری کنند. در واقع حزب جمهوری اسلامی و هم‌دستانش از قماش توده‌ای و اکثریتی و دیگران تمام زورشان را در این روز زدند و این تعداد را بسیج کردند. آنها با این قدرت - نشانی ضعیف و رشکستگی خود را در این روزها نشان دادند. شعارها و بلکه عریضه‌کشی‌های جماعت‌های متحرک حزب الهی در این روز غالباً علیه بنی صدر بود، که با کم‌محلای مردم بسیاری که در پیاده - روها به تماشا ایستاده بودند، روبرو گردید.

« چند روز قبل درگیری‌های وسیعی میان مردم آمل و گروهک‌های حزب الهی روی داد، که طی آن این گروهک‌ها تا رومار شدند و همچنین دفتر حزب جمهوری اسلامی و کتابفروشی‌های وابسته به آن بدست مردم قهرمان آمل تخریب و بسته شد. همچنین تظاهرات بزرگی در ضدیت با حزب ارتجاعی و کودتاچی حاکم در تنکا بسن (شهر سابق) روی داده است. »

« در پاکستان (شهری در نزدیکی قزوین) مردم محل پاسدارهای حزبی را شنا سائی کرده و آنها را علناً تهدید به مرگ میکنند، و اگر همسایه‌ای داشته باشد که پاسدارها را شدمیروند و به پدرش میگویند: " بگو بچه‌ات از کمیته بیرون بیا و یگوگره عاقبت بدی در انتظارش است. " اینست تنفر مردم از جاله‌بازی‌های اخیری که خمینی دائماً به تشویقش میبردازد. »

« از اخبار گذشته: هفته اول خرداد هیئتی از شرکت کسروپ آلمانی به ایران آمد و دوشنبه ۹ خرداد نیز هیئتی ایرانی برای مذاکره با کسروپ به آلمان سفر کرد. در واقع دولت رجائی کسروپ زد و بند با طرفهای قراردادهای محمدرضا شاه است. »

« از وزارت امور خارجه خبر می‌رسد که این روزها مستشاران رنگ و وارنگ خارجی با پوشش‌های مختلف خود در دیوبند پراکنده و اردایران میشوند. مثلاً در عرض دو هفته گذشته حدود ۱۵۰ آمریکائی به بهانه‌های مختلف وارد ایران شده‌اند. »

« در اطراف همدان دوسه روستا هست که تعداد زیادی قاچاقچی دارد. همه این قاچاقچی‌ها اکنون حزب الهی شده‌اند! »

« در حوالی دروازه دولت تهران مردم تعداد زیادی از موتور - سیکلت‌های اشرا حزبی الهی را آتش زدند. همین واقعه قبلاً در میدان امام حسین نیز رخ داده بود. در میدان ولی عصر هم موتور سیکلت حزب الهی‌ها را آتش زدند. »

« اخیراً اطلاع حاصل شد که حزب جمهوری اسلامی چماق‌دار استخدام میکند. حزب درقبال شغل، چماق‌داری به هر دو و طلب ماهیانه ۶۰۰۰ تومان حقوق ۲۰۰ کیلو برنج، ۳ کیلو روغن و مقداری قند و چای و مانند آن پرداخت میکند. افراد استخدام شده مزبور باید طی نوشته‌ای تعهد دهند که نسبت به حزب جمهوری اسلامی و شخص آیت اله بهشتی وفادارند. گفته میشود که تا کنون حدود ۲۰۰۰۰ نفر را در سراسر ایران در شغل چماق‌داری استخدام کرده‌اند. »

« یکی از ماشینهای حزب الهی (خواهران معلوم الحال زینبی): شورلت رویال، سرمایه رنگ بشماره ۷۶۴۲۷ تهران - ق

« در اطریش شایع است که دختر آیت اله بهشتی در آنجا مشغول فروش ارز می‌باشد. »

اخبار چند روز گذشته

سه شنبه ۱۹ خرداد

حربی ها مبرودنه با حادیه و انت دارها و میکوبیدیا ید همه، واسها را بما بدهید. می برسند چرا؟ جواب میدهند: برای رف و آ مد حزب الله! وانت دارها اعراض کرده نمیدهند، ولی دربی آن مردوران حرب اللهی به شهیدوار عا ب برداخته و میکوبید که را این پس به لاسیک میدهیم به نزیین، به روغن و سه هیچ حیردیگر؛ و با لآخره به روزه ۵ عدد وانت میکوبند.

حدود ساعت ۴ بعد از ظهر حدود ۵ تا ۶۰ تن اردخسران ما در دریا رک سهرآ را با سارهای درود سرتنی صدر، "تصرمن اللہ و صبح تربت"، مرک بران حربک مردم فریب، "نظا هسیر مکنند و سعدی ارحمدی در طول خنا بان سهرآ را به راهیما نسی می بردارند. نزدیکهای اداره، کدرها مه چند ما سن کمیته (یکی سگان سرریک ما سن شهوهای رنگ سینه آرا و یک خب) سر سرسند و آراد کسسه معول و آرا آنها سرون رنجه و سسه بخا صدرها هسما بان و سیرا ساداری سهرآ را بد، که سیرا ما سن سیردیگم یکی اراس دحیران، که تا پشتش راهم رخمی سگند، و ن در هتا بخا سس ریس سس سس.

چهارشنبه ۲۰ خرداد

طبق گفته هدا ن عیسی در این روز در میدان بوخا سه سعادای ارمردم، که علیه حرب سنجوس حا کم نظا هر میکردند، سس با سداژان به سهادت میرسند.

حوالی بل سیدخندان یک کارمندا راه، مخا براب بنا م عا سی (۲۳ ساله)، هسکا میکهاریک عکاسی سرون مآ مده، هدف کلولها سدا رها ترا رک سسه و سه سهادت میرسد، برابرا این حادسه مردم حا صدرآن محل سسب عصابی سده و دونفر اربا سدا رها را سدموسورمی سسند و موسوررا روشن مکنند و ضمن آن مردم داژما سروی آنها سگ و سسه براب میکردند.

در هسین روز درسی اسسا رفرمان عزل بنی صدر افرما... سدهی کل نوا سوسط حمیبی، برسسل یادگان ولی عصر بیرون می ربرسد و سار درود سرتنی صدر، میدهند، که با سدا رها در مقابل این حرکت عیب سینی مکنند.

بار در هسین روزی سارا علام برکناری بنی صدر از مقام فرماندهی کل قوا، نیروی هوا برد مهرآ با دست به اعتصاب عدم پروا زمیزند و خوا ستا ربا زکشت بنی صدر به مقام خود میشود، که تا دورورادا مهادت. در این ارتباط روز ۶۰/۳/۲۱ بنی صدری می به آنها ما در مکنند میسی براینکه کشور در خطرا ست و ما م هم صلاح دا ستند و ما هم کنا ررفسیم. بعد از اعلام این پیام کارکنان برسرا خود ترکسند.

چهارشنبه سبنا صبح فردای آن دریا دکان عباس آباد درگیری بوده و همجین فردای آنروز (۶۰/۳/۲۱) دریا دکان باغ شاه نیز میان افراد سپاه و سربازان درگیری بوجود آمد [این وقایع در بی عزل بنی صدر از فرماندهی روی دادند]

بعد از ظهر هسین روز بر اشر درگیری در منبع آب سارک شهرو هجوم وحشیا نه اشر از حزب اللهی تنی چند کشته و ۱۵ الی ۱۵ نفر زخمی سسند. بنجه دستهای خون آلود آنها بر روی اتوبوسهای پارک شده نفس سسته بودند.

بعد از ظهر در خیابان پاسداران درگیری میشود و طی آن ۵ نفر، که دوس از ایشان از فدائیان اقلیت بودند، به سهادت میرسند. مردم در آنجا شعا رمبادادند؛ بی صدر سنی مدرحما بتت مکنیم

ارخمینی بیس خدا شکا بتت مکنیم
در حرمان درگیری میان جوانان و سها چهار سادار در حوالی سیدخندان، با سدا رها کتک مقلی خورده و سلاح ها با سان ما دره میسند.

۲۰ خرداد - گفته میشود که در این روز تعدادی ارمردم در زیر سل سیدخندان (تهران) بدست پاسداران شهید شدند. در سربل روسی سبز یک با سدا رکه یک نفر را کشته بود بدست یک با سان کشته سسند.

پنجشنبه ۲۱ خرداد

در این روز مردم اهواز به طرفداری ارسنی صدر را هسما نی کردند، که با هجوم وحشیا با سدا ران حا سی اسسدا دروسرو سسند.

هسین سهرمزوس به حالت سسه سعلل درآمد، سارا ر سهر سعلل سدمردم در خنا با سها سوسند.

حدود ۴۰۰ تن درخا بان فردوسی به طرف با زا ریسه حما یب ارسنی صدر و در مچکومیت مرتجعین خیا نتکا رحا کسسم راهیما نی کردند. همچنن نظا هرا تها وزد و خورد های پرا کنده در کوسه و کنا رسهر جریا ن دا سست.

در این روز در نوا حی سا ختمان شرکت نفت، روسرووی دا نشگاه و جها رراه لشکر هجوم های وحشیا نه ای علیه تعدادی از دختران که به آنها نظا هرا اطنبن میسوند و با در حال فروختن نشریه بوده اند، توسط اشر از حزب اللهی و پاسداران صورت میکیرد. آنها سب کتک میزنند، حا در روسروی از سران میکشند، لباس آن هارا با ره مکنند و برخی ارا شان را موقت میسوند دستگیر کنند، اما بقیه با حما یب مردم نجات می یا بنسند.

پنجشنبه ۲۱ خرداد - در این روز در محل بل سیدخندان حدود ۲۰ تا صد و پنجاه نفر حزب الهی به یک دختر حمله مکنند و قصد دارند با کتک و اعمال شنیع وی را با خود ببرند. در این موقع یکی از پاسداران کمیته با مسلسل بین دختر مذکور و حزب الهی ها حا شل میشود و میکوبید اگر کوچکترین حرکتی بکنید همه شما را به گلوله میبندم. سپس دختر را سوار یک جیب کرده، لباس پاسدار خود را در میا ورد، کارت کمیته را پاره میکند، اسلحه خود را بر زمین میکوبد و در حال لیکه سوا ر جیب میشود فریاد میزند: "به این اسلام که شما با آن اینکا رها را میکینید". و سرعت محل را ترک مکنند، در حالیکه مردم برای وی کف میزنند و او را تشویق مکنند.

جمعه ۲۲ خرداد

امروزه تن ارفرو سندگان نشریات سیاسی دستگیر شدند.